

سخنرانی تلویزیونی رهبر انقلاب در سالروز رحلت امام خمینی (ره)

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای ۱۴ خردادماه به مناسبت سی و یکمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه، در یک سخنرانی زنده تلویزیونی با ملت ایران سخن خواهند گفت. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌خامنه‌ای، بیانار رهبر حکیم انقلاب ساعت ۱۱ روز چهارشنبه، از سایت، ایستناگرام و توئیتر KHAMENEIIR و شبکه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به صورت زنده پخش خواهد شد. مراسم سالگرد رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی که هر سال با سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حرم مطهر امام خمینی(ره) برگزار می‌شد با توجه به دستورالعمل‌های بهداشتی ستاد ملی مبارزه با کرونا مبنی بر عدم برگزاری تجمعات، امسال در حرم مطهر بر گزار نمی‌شود.

۶ توصیه آیت‌الله جنتی

به نمایندگان مجلس یازدهم

دبیر شورای نگهبان با اشاره به تشکیل مجلس یازدهم ضمن تریک به نمایندگان، سخنان و توصیه‌هایی را خطاب به آنها مطرح کرد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان، آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان در جلسه روز گذشته شورا با اشاره به تشکیل مجلس یازدهم ضمن تریک به منتخبان مردم، سخنان و توصیه‌های مهمی را خطاب به نمایندگان ملت ایراد کرد.اولین توصیه دبیر شورای نگهبان به‌نمایندگان مجلس یازدهم «خودمراقبتی» بود. وی «توجه به پیام رهبر انقلاب در افتتاحیه مجلس و عملیاتی کردن آن» را دیگر توصیه خود به نمایندگان ملت دانست و افزود:همه‌بندهای حکیمانه‌رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان، راهگشا و نقشه راه آنان است که امیدواریم هر چه سریع‌تر اجرایی شود.دبیر شورای نگهبان توصیه سوم خود به نمایندگان ملت، سیاست‌های کلی قانون گذاری را سند جامعی از سیاست‌ها و راهکارهای نظام تقنینی کشور عنوان کرد و از نمایندگان مجلس یازدهم خواست برای تصویب قوانین، این سیاست‌ها را مورد توجه قرار دهند. وی در توصیه چهارم، اولویت‌گذاری در تصویب قوانین را برای مجلس در امر قانون گذاری مهم و ضروری دانست و بر اصلاح قانون انتخابات مبتنی بر سیاست‌های کلی انتخابات تأکید کرد.آیت‌الله جنتی در پنجمین توصیه خود، از نمایندگان مجلس یازدهم خواست با قانون گذاری خوب، موجب ریل گذاری صحیح برای دولت و دستگاه‌های مختلف شوند.دبیر شورای نگهبان در آخرین توصیه خود به نمایندگان، آنان را به برهیز از اقدامات سطحی و حاشیه‌ای فراخواند و تأکید کرد، در میان نمایندگان مجلس یازدهم، متخصصان زیادی بویژه جوانان حضور دارند که ان‌شاءالله بتوانند جهت رفع مشکلات اساسی مردم گام بردارند.

سیاست خارجی

مشاور امنیت ملی آمریکا و **وزیع پیام خیابان‌های آمریکا** را نتیجه **فعالیت‌های ایران** توصیف کرد **کافر همه را به کیش خود پندارد!**

«نگاه کنید! مطمئنا ایران در این زمینه فعالیت داشته است»، شما نیز می‌دانید!» این بخشی از اظهارات رابرت اوبراین، مشاور امنیت ملی آمریکا در واکنش به گسترش ناآرامی‌های ضدنژادپرستانه در این کشور بود که در آن ادعای نقش داشتن جمهوری اسلاهی ایران، روسیه و چین در شعله‌ور شدن دامنه اعتراضات خیابانی را مطرح کرد. به گزارش «وطن امروز»، بالا گرفتن سطح درگیری‌های خیابانی آمریکا در اعتراض به اقدامات ژادپرستانه دولت این کشور و قتل جرج فلوئید، به اقدامات زبان مقامات این کشور نیز به مواجهه با معترضان و دیگر دولت‌ها تندتر شده است. پس از آنکه ترامپ معترضان خیابانی را تهدید به استفاده از «سلاح‌های شوم» و «سگ‌های شورو» کرد، مشاور امنیت ملی آمریکا نیزموضوع فریضه توطئه ایران، روسیه و چین در سازماندهی اعتراضات خیابانی را مطرح کرد. رابرت اوبراین در مصاحبه با شبکه ای-سی‌نیوز در پاسخ به سوالی درباره نحوه مقابله دولت آمریکا با مخالفان و دست داشتن عوامل خارجی در این اعتراضات گفت:بله‌ممکن است فعالان روس در این کار دست داشته باشند. وی در ادامه گفت‌وگوی خود در پاسخ به سوالی درباره نحوه مقابله آمریکا با دشمنانی که سعی در ایجاد ناآرامی در این کشور دارند، مدعی شد: نگاه کنید!مطمئنا ایران در این زمینه فعالیت داشته است؛ شما نیز می‌دانید. ما ابزارهای داریم و در حال همکاری نزدیک با متحدان خود هستیم. اظهارات اوبراین که در فضای عمومی سوژه مضحکه‌های سیاسی نیز شد، در شرایطی است که دولت آمریکا خود بی‌طولایی در دخالت در امور دیگر کشورها دارد، و همواره تلاش کرده است با ساماندن اعتراضات خیابانی در کشورهای که قصد سلساقت کردن دولت‌هایشان را داشته است، فضای اجتماعی آن کشورها را به سمت منافع خود هدایت کند.

با این حال اظهارات مشاور امنیت ملی آمریکا مبنی بر دست‌داشتن جمهوری اسلامی ایران در جریان درگیری‌های خیابانی این کشور با واکنش سخنگوی وزارت امور خارجه کشورهایمان نیز همراه شد.سیدعباس موسوی درباره اظهارات مقامات آمریکایی در ارتباط با دخالت ایران در امور داخلی این کشور با توجه به اعتراضاتی که در ایالات مختلف آمریکا در حال وقوع است، گفت: ضرب‌المثل کافر همه را به کیش خود پندارد، درباره این گونه اظهارات صدقاً دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه افزود: آن کشوری که علیه منافع دیگر کشورها اقدام و در مورد داخلی آنها دخالت می‌کند و ابایی از بیان این موضوع ندارد، دولت آنها ریاست. موسوی با اشاره به اینکه انجام این گونه فرافکنی‌ها از سوی شخصی چون ترامپ بعید نیست، افزود: او در اداره کشور خود با مشکلاتی روبه‌رو است و شکست خورده است، از جمله در ارتباط با کنترل شیوع ویروس کرونا در آمریکا. موسوی با بیان اینکه این اتفاقات و اعتراضات نتیجه سال‌ها سرکوب و خفه کردن صدای مردم این کشور است، افزود: اکنون خفه کردن صداها به خفه کردن مردم خود تبدیل شده است و در این مورد ترامپ چاره‌ای جز این ندارد که فرافکنی کند وایران و سایر کشورهای آمنتهم‌کند سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: ما هر گونه دخالت در امور داخلی آمریکا را رد می‌کنیم ولی نمی‌توانیم از اتفاقات رخ‌داده ابراز نگرانی و تاسف نکنیم.

صادق فرامرزی: گذر از چله انقلاب اسلامی و پدیدار شدن نظم سیاسی تثبیت‌شده در کالبد نظام جمهوری اسلامی، فرصتی را فراهم می‌کند تا به سنجش موقعیت آغازین، کنونی و آینده پشاروی انقلاب اسلامی بپردازیم. اگر یک ناظر بیرونی بخواهد پیرامون آنچه از آن به عنوان انقلاب اسلامی – چه در ساحت ایده و چه در ساحت عمل- بنگرد، نخستین سوالی که باید به آن پاسخ دهد چیستی این انقلاب است.انقلاب اسلامی در نخستین سطح خود یک کنش سیاسی و اجتماعی از سوی جامعه ایران با نیتی مشخص بود که به دنبال سرنگونی یک نظم سیاسی مستقر و جایگزین کردن نظمی جدید به جای آن بود. از این منظر آنچه‌ممیزه انقلاب اسلامی ایران از سایر انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی معاصر می‌شود را می‌توان در ظرف زمانی و مکانی انقلاب پیدا کرد:انقلابی با مختصات مشخص که در آن مردمی با خروش جمعی علیه رأس هرم قدرت آن باعث یک جابه‌جایی حداکثری در سطح صاحبان قدرت شدند و نظام جدید را با نظام پیشین جابه‌جا کردند. با این تفسیر انقلاب اسلامی ایران انقلابی بود در میان انبوه انقلاب‌های سیاسی قرن بیستم، انقلابی با مبدا و مقصد زمانی مشخص در یک حريم جغرافیایی تعریف‌شده که چشم‌انداز آن را می‌توان با میزان موفقیت در جابه‌جایی نظم سیاسی جدید با نظم سیاسی پیشین یافت. این تفسیر با همه صحتی که دارد برون‌دادی از یک نگاه تقلیل‌گرایانه نسبت به اصل واقعه‌ای است که در عین کثرت در نمونه‌های آن، موردی ممتاز و بدیع به شمار می‌رود.

پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود نقطه ممیزه و بدیع بودن این انقلاب از سایر انقلاب‌های سیاسی است. در پاسخ به این پرسش می‌توان به مجموعه‌عای از گزاره‌های معرفتی و پدیده‌های اجتماعی اشاره کرد که هر کدام از آنها انقلاب اسلامی ایران را تبدیل به سوژه‌ای خاص در میان انبوه انقلاب‌های معاصر می‌کند. نخستین و در عین حال مهم‌ترین نکته‌ای که در این مورد می‌توان به آن اشاره داشت، مرکز ثقل و هسته مرکزی انقلاب اسلامی است. حرکت برای یافتن جایگاه «دین» به‌طور اعم و خوانش «شیعی» به‌طور اخص، در میان مناسبات سیاسی حاکم به‌منابه موتور محرکه انقلاب ایران طرح می‌شود؛ امری که تجربه‌های مختلف چه در نظم سیاسی مسیحیتی و چه حتی در نظم سیاسی مسلمانان، مؤید امکان‌پذیری آن به شمار می‌رفت. شکل‌گیری دولت‌های مدرن با پذیرش فرض‌های عرفی



(سکولار) از بایسته‌های زندگی بشر بود، فرضی که سعی می‌کرد با به پست‌و فرستادن ارزش‌های دینی، آنها را متعلق به بخش خصوصی زندگی بشر تعریف کرده و نظام سیاسی را حاصلی از یک «قرارداد اجتماعی» برای نیل به اهداف مشترک و دنیوی انسان‌ها بپندارد.قوام این پیش‌فرض طی قرن متمادی(بخصوص ۱۸ و ۱۹ میلادی) باعث شد عمده گفت‌مان‌های دینی در رقابت با نظم نوین شکل گرفته، سیر تضعیف خود را طی کنند و عمدتا خود نیز بپذیرند دین در عرصه‌ای بیرون از زیست خصوصی افراد جایگاهی ندارد. نظام حقوقی نوین با خط زدن حقوق الهی، مصالح عرفی را مبنای قانون گذاری کرد، بافت «دولت/ ملت» پس از انعقاد عهدنامه وستفالی هومت را از جمعیت‌های دینی گرفت و به دست جمع‌های ملی سپرد، نظم اقتصادی با

پذیرش حقوق فردی و عبور از حرمت ربا به‌عنوان ابزار نامشروع انباشت ثروت، باعث شکل‌گیری نظم اقتصادی جدیدی شد و به اشکالی مشابه باقی ساحت‌های زیست جمعی انسان‌ها، از وجود متغیر تعیین‌کننده دین تهی شد.

با چنین نگاهی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، همان‌گونه که شوک جهانی را نیز با خود به همراه آورد، به‌منابه نخستین حرکت جدیدی شناخته‌شد که سعی داشت نه‌با در پیش گرفتن با نظم نوین شکل گرفته، سیر تضعیف خود را طی کنند و عمدتا خود نیز بپذیرند دین در عرصه‌ای بیرون از زیست خصوصی افراد جایگاهی ندارد. نظام حقوقی نوین با خط زدن حقوق الهی، مصالح عرفی را مبنای قانون گذاری کرد، بافت «دولت/ ملت» پس از انعقاد عهدنامه وستفالی هومت را از جمعیت‌های دینی گرفت و به دست جمع‌های ملی سپرد، نظم اقتصادی با

شعار «ایران را به‌خاک می‌کشیم» در جریان تظاهرات ۱۳۰۵ خرداد

رهبری برای انقلاب در فراسوی مرزها

تحول در مفاهیم و ساخت دنیای جدید بر پایه فطرت انسانی در درون دنیای مدرن، انقلاب اسلامی را به عنوان نسخه‌ای مترقی در مقابل تمدن غربی پدیدار کرده‌است

کمیل نفی‌پور:انقلاب اسلامی ایران سرآغاز جنگ تمدنی میان ۲ تمدن اسلام و غرب بوده است. نگاه به انقلاب اسلامی به عنوان یک تحول تمدنی از این حیث حائز اهمیت است که یک تحول مفهومی در مقولات اساسی سیاست، اجتماع، فرهنگ و دیگر جنبه‌های زندگی به وجود آورد. ریشه این تحول اما در تفاوت در جهان‌بینی اسلامی و مدرنیسته است.

در نوک قله عالم مدرن «انسان غربی» ایستاده است. انسان غربی دنیا را با عینک عقل معاش می‌سنجد. باید‌ها و نباید‌ها بر مبنای منفعت شخصی تعریف می‌شود.چنین نگاهی به زندگی دنیای جدیدی را می‌سازد. انسان «گروگ انبند» می‌گردد چرا که جهان به مثابه جنگلی است که هر شخص باید گولیش را خود از آب بیرون بکشد.مسابقه در جهت کسب «نفع بیشتر» و سامان دادن به زندگی است که در آن تلذذ مادی هدف عالی است. معنویت هم باید با عقل معاش منطبق باشد و اگر ایجاد مسامحت کند در سالن نماز کلیساها هر روز یککشنده مجدود می‌شود.جنگ مشروع می‌شود.البته زمانی که منفعت بیشتری را نصیب آن کشور کند.در این جهان عدالت مفهوم «خاص»ی دارد. عدالت یعنی اصالت دادن به تفاوت‌های موجود در جامعه

هر گونه خطای محاسباتی دشمن را قاطعانه و بی‌درنگ پاسخ می‌دهیم



رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی به مناسبت فرارسیدن سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

تأکید کرد نیروهای مسلح هر نوع خطای محاسباتی دشمن را قاطعانه و بی‌درنگ پاسخ خواهد داد. در بخشی از این پیام آمده است: برخلاف خواست «طاغوت‌اعظم» و قبیله «شیطان بزرگ»، منظومه اقتدار و عظمت میهن اسلامی با عبور سرفرازانه از گردنه‌های سخت و ماجراهای سهمگین، بالنده‌تر و پرפרوغ‌تر از همیشه، پشتوانه بنای «تمدن نوین اسلامی» و فراهم‌ساز مقدمات «ظهور» شده است.

عصر نوین ۲ امام

رسمیت بخشیدن به جهان بینی دینی و غلبه یافتن بر پیش فرض های سکولار برای حیات اجتماعی، سنگ بنای پروژه تمدن نوین اسلامی از سوی ۲ امام انقلاب است

رهبر انقلاب در جریان تظاهرات ۱۳۰۵ خرداد

تاریخ همچون حکومت پیامبر اسلام در مدینه و امیرالمؤمنین در کوفه، هیچ کدام به شکل امروزی آن تعاریف جاافتاده‌ای نداشتند. برای نمونه این پرسش که چگونه می‌توان با حکمرانی در موقعیت دولت / ملت‌های نوین مکانان واحد امت دینی را به‌منابه جمعیتی پیرو یک دین مشترک سازماندهی کرد، از کلیدی‌ترین مسائلی بود که در فضای زیست دینی نوین پس از انقلاب اسلامی طرح شد. با ورودی مشابه طرح نظریه ولایت فقیه و احیای جایگاه ولایت در عین به رسمیت شناختن آرای عمومی، از دیگر مواردی بود که در این فضا غنینت پیدا کرد. فقدان بنیاد نظری منسجم و نوپا بودن چنین مباحثی از یک سو نبود تجربه مشترک برای انجام چنین کار ویژه‌ای، باعث شد ایران باسئقالاتی تبدیل به میدان جدیدی برای پیادهسازی الگویی شود که مشابه آن حتی در نهضت‌های آزادی معاصر نیز پیدا نبود. مرجعیت یافتن امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر و بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی برای پیش برد این گام تمدنی جدید باعث شد ایشان تبدیل به قطب گفت‌ماتی کی جریان دینی شود. با همه گمانه‌زنی‌ها مبنی بر توقف پروژه تمدنی انقلاب اسلامی با پایان حیات بنیانگذار آن، در عمل اتفاق دیگری افتاد تا پس از رحلت امام خمینی(ره) و آغاز رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، این حرکت در همان طریق پیشین خود و به‌رغم فراز و نشیب‌های متعدد به مسیرش ادامه دهد. پروژه زیست اجتماعی دینی در تقابل با سبطرله جهانی زیست سکولار ره‌چند تا رسیدن به مطلوب اولیه خود فاصله زیادی دارد اما در گذر زمان و تقویت جریان‌های دینی توانست به رسمیت شناخته شود و در سایه این رسمیت واجد ویژگی الهام‌بخشی به محیط پیرامونی خود شود. افزایش لفق و گستره این راه جدید به گونه‌ای بود که یکی از نخستین چالش‌های خود یعنی چگونگی حکمرانی در واحد دولت / ملت و در عین حال انسجام‌بخشی به واحد برون‌مرزی امت دینی را تا حد زیادی حل کرد. تبدیل شدن الگوی انقلابی ایران و نظام طراحی شده امامان آن، محور مقاومت را تا افت‌های دوردست برد و از ایران نشانی برای یک تمدن پیشرو دینی در عرصه جهانی ساخت.

معماری دینی عرصه سیاست و تعریف جغرافیای نوینی که الهام‌بخش سایر نهضت‌های آزادی‌طلبانه باشد، جهان را در مسیر ۲ امام انقلاب قرار داد؛ مسیری که به‌رغم مشکلات زیاد باقی‌مانده، نماد و نمودی از یک نظام تمدنی جدید دارد.

طلغوتی و انقلاب تاز و بودهای تنیده شده بر فطرت آدمی، معجزه اصلی انقلاب اسلامی وقوع همین ۲ انقلاب توامان بود. سیاست‌ورزی پیامبر گونه امام خمینی(ره) ساختارهای رژیم طاغوت را منهدم کرد و نفس امام خمینی(ره) انسان را نوید «بازگشت به خوشتن» می‌داد.دفاع‌مقدس عرصه ابراز وجود و تربیت‌یافتگان مکتب امام خمینی(ره) بود. شهید همت‌ها، باقری‌ها، حاج قاسم‌ها، خرازی‌ها و صیادها در این عرصه وجود خود را صیقل دادند. پس از رحلت امام خمینی(ره) نیز تلاوم این دو انقلاب، نیاز به رهبری با ویژگی‌های امام خمینی(ره) داشت. ادامه مسیر رهبری امت «به فطرت برگشته» بر عهده آیت‌الله خامنه‌ای بود. ولی فقیه جامعه در راس یک حکومت دینی توامان وظیفه تربیت نفوس و وظیفه همراه کردن مردم سزای مبارزه با طاغوت را برعهده داشت و دارد. امام جعفر هادیانگرو و رهنمون‌سان مردم است. آیت‌الله خامنه‌ای ساختار بنیان نهاده شده توسط امام خمینی را قوام بخشید، نهال دسته‌های مقاومت را با تدبیر و حکمت آبیاری کرد و جغرافیای نوینی در جهان بنیان نهاد؛ جغرافیایی که «جنبه مقاومت» نام نهاده شد. برخورد تمدنی ایران و غرب در این

(حتی اگر این تفاوت‌ها ذاتی نباشد و بر ساخته جامعه باشد و در نتیجه سیاست‌های دولت‌ها عدمای متفاوت از عدای دیگر باشند)؛ این‌گونه می‌شود که تاملین اجتماعی رنگ می‌یازد. در چنین دنیایی «فضیلت» بر مبنای منفعت تعریف می‌شود. انسان فاضل انسانی است که بهتر از بقیه بتواند جیب خود را پر کند.مقولات رنگ مادی به خود می‌گیرد، حتی مابعدالطبیعه در راستای مادیات تعریف می‌شود.

اما در تمدن اسلامی «انسان دینی» محوریت دارد. انسان دینی یعنی انسانی که بنا بر آموزه‌های فطری جهان را فهم می‌کند. باید و نباید‌ها تقسیم‌بندی سختی ندارد، امر خوب امری است که ذات پاک انسان آن را خوب بداند. عدالت است، چرا که ذات انسان عدالت‌طلب است. برای همین تمام ساختارها و قوانین عادلانه‌اند، ظالمانه و نامشروع به حساب می‌آید. مبارزه با ظلم پسندیده است، چون فطرت پاک انسانی ظالم را یلید می‌پندارد. تقوا و دانش صحیح نیکو است، چرا که مسیر سعادت واقعی را برای انسان ترسیم می‌کند. همین نقطه، یعنی بازگشت به فطرت انسان نیاز به انقلاب «درونی» و «برونی» دارد؛ انقلاب در ساختارهای فاسد و مغایرتی و انقلاب تاز و بودهای تنیده شده بر فطرت آدمی. معجزه اصلی انقلاب اسلامی وقوع همین ۲ انقلاب توامان بود. سیاست‌ورزی پیامبر گونه امام خمینی(ره) ساختارهای رژیم طاغوت را منهدم کرد و نفس امام خمینی(ره) انسان را نوید «بازگشت به خوشتن» می‌داد.دفاع‌مقدس عرصه ابراز وجود و تربیت‌یافتگان مکتب امام خمینی(ره) بود. شهید همت‌ها، باقری‌ها، حاج قاسم‌ها، خرازی‌ها و صیادها در این عرصه وجود خود را صیقل دادند. پس از رحلت امام خمینی(ره) نیز تلاوم این دو انقلاب، نیاز به رهبری با ویژگی‌های امام خمینی(ره) داشت. ادامه مسیر رهبری امت «به فطرت برگشته» بر عهده آیت‌الله خامنه‌ای بود. ولی فقیه جامعه در راس یک حکومت دینی توامان وظیفه تربیت نفوس و وظیفه همراه کردن مردم سزای مبارزه با طاغوت را برعهده داشت و دارد. امام جعفر هادیانگرو و رهنمون‌سان مردم است. آیت‌الله خامنه‌ای ساختار بنیان نهاده شده توسط امام خمینی را قوام بخشید، نهال دسته‌های مقاومت را با تدبیر و حکمت آبیاری کرد و جغرافیای نوینی در جهان بنیان نهاد؛ جغرافیایی که «جنبه مقاومت» نام نهاده شد. برخورد تمدنی ایران و غرب در این

رهبر انقلاب در جریان تظاهرات ۱۳۰۵ خرداد

تأثیر انقلاب اسلامی بر شکل‌دهی به جغرافیای متفاوت و آغاز دوران جدید در مناسبات جهانی

امتداد انقلاب

ماند و تبدیل به دومین بال مقاومت اسلامی فلسطین شد. وجود چنین سازمانی که از بیوستگی خود به انقلاب اسلامی و امام خمینی، با افتخار و مباحث یاد می‌کرد، تحولات شگفتی در تاریخ منازعات مسلمانان و اسرائیل ایجاد کرد که شاید امروز بنا به ملاحظات سیاسی و امنیتی، نتوان همه ابعاد آن را به‌کسب‌کنج، نه ریگان و کاتر و نه دایناسورهای حاکم بر شوری، چیزی جز آنچه با دوربین رسانه‌ها قابل رویت بود را نمی‌دیدند. دوربین‌ها، پیر شدن و فرسودن پیرمرد زلزله‌ساز ایران را می‌دیدند که هفته‌ای چند بار در «حسینیه جماران» ظاهر می‌شد و از طواهر او، کوچش را نزدیک می‌دیدند. یک پایان دردسرها ی انقلاب ایران را هر چه دست‌یافتنی‌تر. یک هفته که مریض می‌شد و نمی‌آمد برای تکان دادن دست، همه رسانه‌های غربی ساز و دهل دست می‌گرفتند که «تمام شد». هیچ کس حواسش به خراج از قاب‌های شیشه‌ای نبود. همه دیدند فردای پیروزی انقلاب اسلامی، باسر عرافت به ایران آمد و امام خمینی را رهبر خود نامید و ایران را تنها پناهگاه ملت فلسطین معرفی کرد و تا چند سال، از بر رفت و آمدترین میهمان‌های خارجی به ایران بود. جدا شدنش از انقلابیون را هم همه دیدند اما کسی جوان ناشجوی پزشکی فلسطینی در مصر را ندید که بدون دیدن حضرت روح‌الله، کتلی نوشت به نام «امام خمینی، راه‌حل جایگزین اسلامی». بی‌سر و صدا، دنبال ایده‌هایش رفت و در چند سال، «سازمان جهاد اسلامی فلسطین» را تأسیس کرد و درست زمانی که عرافت دستش از همه جا کوتاه شده و فلسطینی‌ها برای بقای رینگ افتاده بودند، با زدن جرقه «انتفاضه اول» و لوله‌ای در میدان جنگ با اسرائیل به راه انداخت. دکتر «فتحی‌شقاوی» برگ جدیدی را در تاریخ مبارزات ملت فلسطین باز کرد و نیروهای وفادارش که همگی محبت و بی‌وسستگی به امام خمینی را از رهبر جوان خود آموخته بودند، چنان ضربات سنگینی بر اشغالگران وارد کردند که سرانجام جوخه‌های تئور صهیونیستی، جانش را گرفتند اما سازمان جهاد اسلامی باقی

ایران داشته باشد. همه او را به عنوان سیاستمداری حسابگر و محیل می‌شناختند که به نفت ایران چشم دارد و در دور‌ترین احتمالات هم امکان تعلق‌خاطرش به یک شخصیت مذهبی را نمی‌دادند. اما هیچ کس حواسش نبود که حافظ اسد، طی ۱۰ سال زمامداری خود، در جبهه مواجهه با اسرائیل (جنگ ۱۹۷۳) در سوی جبهه داخلی فلسطین، از طرف دیگر اعراب تنها گناشته شده و دل پرکنیهای از آنان داشت و اگر هم دغدغه اصلی‌اش دلار بود، با باز گذاشتن مرزهایش با عراق در سال‌های جنگ، بارانی از طلا بر کشورش می‌بارید. از سوی دیگر تجربه شیرینی از اعتماد و همراهی با یک روحانی بلندپایه شیعه در ذهن ژنرال اسد بود. نباید به کسی که تجربه همراهی و همکاری با «امام موسی صدر» را داشت، خرده بگیریم که به امام خمینی هم دست اتحاد بدهد، حتی اگر همه بگویند این اتحاد از سر کینه با صدام و به طمع نعت نیم‌بهای ایران است. گذشت زمان، نشان داد این اتحاد چه تأثیرات شگرفی در جغرافیای سیاسی آسیای غربی گذاشت و اتفاقاتی مانند گرایش‌های شدید فرزند ارشد حافظ اسد به تشیع، در همان زمانی که پدرش او را برای جانشینی خود آماده می‌کرد، نشان داد همه ماجرا به کینه و رقابت حزبی و کمک‌های نفتی برنمی‌گشت. هرچند قتل «باسل اسد» بسیاری از محاسبات را بر هم زد اما پیوند حزب‌الله لبنان (شاگردان «محمدباقر صدر» و امام خمینی) با سوریه (قتل همسایه عراق که در طول جنگ تحمیلی، متحد بافعل ایران و دشمن صدام بود)، جبهه خطرناکی را علیه اسرائیل تشکیل داد که هیچ کس در جهان نمی‌توانست منکر شود که تنها تهدید جدی برای بقای اسرائیل است؛ پیوندی که حتی جنگ داخلی خاتمان‌برانداز سوریه به‌تنه‌آن را ضعیف نکرد، بلکه برخلاف همه محاسبات، رگ‌های حیات‌شان را به هم پیوند زد.

آری! حضرت روح‌الله چنین کرد…

❁ پژوهشگر و کارشناس تاریخ